اخبار

۱۱ غزل از رهبر شهید انقلاب در کتاب «از دفتر شعر امین»



کتاب «از دفتر شعر امین» با ۱۱ غزل از رهبر شهید انقلاب توسط انتشارات انقلاب اسلامی منتشر شد.

به گزارش ایرنا آیین گرامی‌داشت امین زبان و ادب پارسی و مراسم رونمایی از کتاب «از دفتر شعر امین» روز گذشته ۲۵ آبان با حضور سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، غلامعلی حداد عادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و برخی شخصیت‌های فرهنگی و شاعران در پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری برگزار شد.

کتاب «از دفتر شعر امین»، منتخبی از سروده‌های حضرت آیت الله العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای(قدس الله نفسه الزکیة) است که با آثار تایپوگرافی هنرمندان شناخته‌شده عرصه هنرهای ترسیمی و خوشنویسی از این اشعار آراسته شده است. این آثار، نتیجه کارگاه یک‌روزه‌ای به میزبانی و هدایت مسعود نجابتی، مدیر هنری انتشارات انقلاب اسلامی است که در روزهای وداع تاریخی با رهبر شهید انقلاب برگزار شده بود. حمید قربانپور، حسین چمن‌خواه، مجتبی مجلسی، محمد روح‌الامین، حامد مغروری، محمدرضا چیت‌ساز، فرهود مقدم، مجید کشاورزی، محمود بازدار، مهران پندار، علیرضا حصارکی، سعید کریمی، حسین‌رضا ونکی و هاجر سلیمی نمین هنرمندانی هستند که آثارشان در این کتاب منتشر شده است.

حسرت مستی، تکاپوی جاودان، راز دل طوفانی، شرح حال، شوق به منزل رسیدن، در شکوه از خویشتن، مناجات ناشنوایان، سرود صبحگاه، تو راست معجزه در کف، مهر تابان و با یادگار ساقی کوثر عنوان‌های ۱۱ غزلی است که در این کتاب ۳۶ صفحه‌ای منتشر شده است.

حداد عادل در مقدمه این کتاب نوشت: هرچند رهبر شهید در یک بازه زمانی بیش از ۵۰ سال، با مردم و ملت خود فراوان سخن گفته است اما باید دانست «ناگفته‌ها»ی او بسیار بیشتر از گفته‌های اوست. «عالَم درون» انسان‌های بزرگ بسی بزرگ‌تر از «محیط بیرون» زندگی آنهاست و سرشار از رازهای سربه‌مهری است که کمتر به زبان می‌آید و همگانی و آشکار می‌شود. غزل‌های این دفتر هر کدام پنجره‌ای است هر چند کوچک و محدود، که ما را به تماشای عالم درون معنوی و عرفانی و ایمانیِ سراینده آنها دعوت می‌کند و گوشه‌های از آن دلِ دریایی بی‌کرانه خدایی را، که در بیرون خاموش و در درون پرخروش بود، نشان می‌دهد.

...آن بزرگوار که با همه وجود به ایران و ملت ایران عشق می‌ورزید و همواره خواهان عظمت ملیت و هویت ایرانی بود، زبان فارسی را «یکی از ارکان این هویت و ملیت» می‌دانست و پاسداری از آن را وظیفه همه کسانی می‌دانست که جان‌فدای ایران هستند و از استقلال آن دفاع می‌کنند. اکنون فرزندان او، که ملت بزرگ ایرانند و در اندوه فراق او خونین‌دل و سوگوارند، می‌توانند با یادآوری عشق و علاقه رهبر شهیدشان به زبان فارسی و شعر و ادب فارسی، «فارسی را پاس بدارند» و این زبان را به‌خوبی بیاموزند و به‌درستی به کار برند و از این راه در تحکیم و تقویت پایه‌های هویت و ملیت ایرانی و اسلامی خویش بکوشند.

صالحی:

قیمت کاغذ تا حدودی کاهشی شده است

وزیر ارشاد خبر داد: با تخصیص ۲۰ میلیون دلار به حوزه کاغذ، قیمت کاغذ تا حدودی کاهش پیدا کرده است.

باشگاه خبرنگاران جوان؛ سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد در پاسخ به سوال باشگاه خبرنگاران جوان مبنی بر اینکه با توجه به وضعیت تحریم و جنگ چه راهکاری برای کاهش قیمت کاغذ اندیشیده شده، گفت: عمده کاغذهای ما تک نرخی شدند. ما دیگر ارزی را به نرخ‌های دیگر نداریم. الحمدالله برای کاغذ مانند سایر کالاها تامین ارز صورت گرفت. خوشبختانه با پیگیری معاون اول رئیس جمهور و وزرا، ۲۰ میلیون دلار به تخصیص کاغذ اختصاص یافت. با این وضعیت تاحدودی قیمت کاغذ کاهش پیدا کرده است. با واردات بیشتر، کاغذ کاهش قیمت بیشتری صورت می‌گیرد.

یک نفس بیشتر فاصله‌مون نیست؟ هست؟

یک ترانه از ابی و دو ایران روبه‌روی هم

ایران امروز شرایط عجیبی را تجربه می‌کند. هر چیزی، حتی پخش یک تیزر، می‌تواند به دوقطبی شدن جامعه دامن بزند، اختلافاتی را که در زیر پوست جامعه جریان دارد، به سطح بیاورد. اما ماجرای تیزر یک برنامه در شبکه خانگی چیست و چرا حسابی جنجال به پا کرده است؟



پخش تیزر رئالیتی‌شوی «صحنه» کافی بود تا جامعه مستعد ایرانی ناگهان منفجر شود و دو قطبی حول محور موافقت و مخالفت با برنامه شکل بگیرد

روزهای اخیر تیزری در فضای مجازی منتشر شد که فرزاد فرزین خواننده را در حال ورود به استیج موسیقی نشان می‌داد؛ استیجی بزرگ که دور تا دور آن را صدها چهره مشهور پر کرده بودند و با ورود فرزاد فرزین، ناگهان شروع به خواندن یکی از ترانه‌های مشهور خواننده قدیمی ایران، ابراهیم حامدی ملقب به ابی، کردند؛ ترانه پاپ «قصه عشق» که بسیار پرطرفدار است و مدت‌هاست که مردم به آن گوش می‌دهند.

به گزارش رویداد۲۴، پخش این تیزر کافی بود تا جامعه مستعد ایرانی ناگهان منفجر شود و دو قطبی حول محور موافقت و مخالفت با برنامه شکل بگیرد. واکنش‌ها به‌قدری تند و تیز و گسترده بود که خیلی زود فضای مجازی را درنوردید و به تیتر یک رسانه‌های داخلی و خارجی تبدیل شد. هم رسانه های فارسی زبان خارج از کشور به انتشار این تیزر واکنش نشان دادند و هم تسنیم و همشهری درباره آن دست به قلم شدند.

این واکنش‌های گسترده سؤال مهمی را به ذهن مخاطب پیگیر متبادر می‌کند: چرا اجرای یک موسیقی نوستالژیک که محتوای سیاسی هم ندارد، تا این اندازه به موضوع اختلاف در جامعه تبدیل شده و به مناقشات سیاسی دامن زده است؟

پاسخ به این پرسش می‌تواند تصویر و شمای کلی از جامعه امروز ایران نشان دهد؛ جامعه‌ای به‌شدت دوقطبی شده و از همه مهم‌تر، خشمگین که در شرایط نه جنگ و نه صلح امروز، به مرز انفجار رسیده اند.

برنامه «صحنه» چیست؟

رئالیتی‌شوی «صحنه»، آن‌طور که در صفحه خود فیلیمو آمده است، برنامه‌ای است که استعدادهای موسیقی را معرفی و داوری می‌کند. این برنامه که مراحل کارشناسی، طراحی، پیش‌تولید و ساخت آن حدود دو سال طول کشیده، توسط حامد جوادزاده تهیه و تولید شده است و مقیاس تولید آن در شبکه نمایش خانگی، پیش از این تجربه نشده است.

مسابقه‌ای سرحال که با حضور جمعی از چهره‌های شناخته‌شده حوزه موسیقی، سینما و تلویزیون و با اجرای فرزاد فرزین، قرار است لحظه‌های خوشی برای مخاطبان بسازد.

اما پیش از این، ما شاهد ساخت و تولید برنامه «صداتو» بودیم که ساختاری مشابه همین برنامه «صحنه» داشت. ظاهراً تفاوت این برنامه با «صداتو»، ابعاد عظیم آن است؛ چراکه قرار است برنامه‌ای بزرگ و بیگ‌پروداکشن‌باشد.

محمد علیزاده، ژاله صامتی، محسن شریفیان، مهراوه شریفی‌نیا، وحید آقاپور، طاهر قریشی، مسیح زاد، سعید داخ، نیلوفر لاری‌پور، هادی زینتی، لیانا شریفیان، مهران امامیه، نوید فرحمرزی، سعید پورمحمودی، سینا ذکایی، مهرزاد امیرخانی، علیرضا خوراهر و مهرداد نصرتی از جمله چهره‌هایی هستند که در «صحنه» به‌عنوان داور حضور دارند.

یک تیم پروپیمان داوری که نشان می‌دهد پلتفرم ویدئویی فیلیمو سرمایه‌گذاری عظیمی روی این برنامه انجام داده و قرار است «صحنه» یکی از برنامه‌های جنجالی و پرتماشاگر این پلتفرم پخش برنامه‌های اینترنتی در ایران باشد.

اجرای رئالیتی‌شوی «صحنه» را فرزاد فرزین بر عهده دارد. حضور این خواننده و بازیگر به‌عنوان مجری، یکی از بخش‌های مورد توجه این برنامه در زمان پخش خواهد بود و مخاطبان اجرای متفاوتی از او را مشاهده خواهند کرد.

انتخاب فرزاد فرزین به‌عنوان مجری برنامه نیز نشان می‌دهد که فیلیمو تلاش کرده همه تمهیدات لازم را برای هرچه بیشتر دیده شدن این برنامه بیندیشد.

رئالیتی‌شوی موسیقایی «صحنه» قرار است از ۹ آذر ۱۴۰۵، هر هفته دوشنبه‌ها در فیلیمو منتشر شود. این پروژه از جمله تولیدات بزرگ حوزه برنامه‌سازی در شبکه نمایش خانگی محسوب می‌شود و به قول سازندگانش، بزرگ‌ترین رئالیتی‌شوی خاورمیانه است.

این ادعاهای تبلیغاتی همگی نشان‌دهنده این موضوع است که «صحنه» قرار بوده به چیزی فراتر از یک برنامه تلویزیونی تبدیل شود و سنگ محک جدی و رسمی برای سنجش میزان توانایی رسانه‌های داخلی در جذب مخاطب باشد. اما ظاهراً این برنامه نیامده جنجالی شده و همین موضوع نشان می‌دهد که فیلیمو کار سختی برای پخش «صحنه» دارد.

شباهت برنامه «صحنه» با برنامه خارجی All Together Now

نکته‌ای که از همان ابتدا درباره برنامه «صحنه» جلب نظر می‌کند، شباهت بسیار زیاد این برنامه با یک برنامه خارجی به نام All Together Now است؛ برنامه‌ای که راب بکت، کمدین مشهور، اجرای این مسابقه خوانندگی متفاوت را بر عهده دارد؛ رقابتی که در آن خوانندگان بااستعداد، به امید کسب ثروت و نه لزوماً شهرت، پا به صحنه می‌گذارند.

در هر قسمت، گروهی از خوانندگان در برابر هیئت داورانی متشکل از ۱۰۰ کارشناس موسیقی و هنرمند از سراسر بریتانیا، که «گروه ۱۰۰» نامیده می‌شوند و سرپرستی آن‌ها را جری هورنر (عضو سابق گروه اسپایس گرلز) بر عهده دارد، به اجرا می‌پردازند.

هر یک از اعضای این گروه ۱۰۰ نفره که با اجرای شرکت‌کننده همراهی کند، به او یک امتیاز می‌دهد. بنابراین، هر شرکت‌کننده باید تلاش کند تا آنجا که ممکن است، تعداد بیشتری از این ۱۰۰ نفر را با خود همراه کرده و به آواز خواندن وادارد تا با کسب امتیاز کافی، به مرحله نهایی راه یابد و برنده جایزه ۵۰ هزار پوندی مسابقه شود.

تماشای یکی دو قسمت از این برنامه کافی است تا متوجه شویم ساختار، دکور، شکل نشستن داوران و حتی نحوه امتیازدهی به شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که «صحنه» یک کپی بومی از این برنامه خارجی‌زبان است.

البته سابقه بومی‌سازی برنامه‌ها و رئالیتی‌شوهای خارجی در ایران بسیار طولانی است و احسان علیخانی هم با تقلید از برنامه America's Got Talent، «عصر جدید» را ساخته بود و حتی برنامه «دورهمی» نیز از یک برنامه هندی به نام Comedy Nights with Kapil کپی شده بود.

اما سازندگان «صحنه» ظاهراً مقیاس این کپی‌کاری را بسیار بزرگ کرده‌اند و همین بزرگی و عظمت برنامه است که باعث شده «صحنه» به تجربه‌ای متفاوت تبدیل شود؛ تجربه‌ای که نیامده جنجالی شد.

چرا پخش آهنگ ابی تا این اندازه جنجالی شد؟

ابراهیم حامدی یکی از خوانندگان بسیار محبوب ایرانی در موسیقی پاپ است؛ خواننده‌ای که مدت‌هاست آثارش در میان مخاطبان ایرانی طرفداران فراوانی دارد. اما موضوعی که باعث شده پخش صدای او در برنامه «صحنه» تا این اندازه خبرساز شود، مواضع سیاسی حامدی است؛ مواضعی که او را از یک خواننده محبوب موسیقی پاپ به یک فعال سیاسی خواهان تغییر حاکمیت در ایران تبدیل کرده است. او گاهی مواضع صریحی هم درباره این موضوع گرفته است؛ مواضعی که گاهی برای او دردسرساز شده‌اند.

مهم‌ترین موضع دردسرساز ابی، نخواندن ترانه «خلیج فارس» در کنسرت دبی بود که باعث شد کاربران زیادی به او حمله کنند و حامدی را به خیانت و وطن‌فروشی متهم کنند.

این واکنش‌ها و موضع‌گیری‌های ابی باعث شده تا او، خصوصاً بعد از دو جنگ دوازده‌روزه و چهل‌روزه، مورد حساسیت برخی از اقشار جامعه باشد. به‌ویژه اقشار مذهبی و طرفدار نظام، بعد از موضع‌گیری‌های صریح حامدی، به مخالفان سرسخت او تبدیل شده‌اند و هرگونه حضور حامدی و ترانه‌هایش را در عرصه عمومی برنمی‌تابند.

دقیقاً از این زاویه است که رسانه تسنیم به مخالفت با پخش آهنگ ابی در برنامه «صحنه» پرداخته و نوشته است: «یکی از بخش‌هایی که در روزهای اخیر از برنامه «صحنه» در فضای مجازی دست‌به‌دست شده، تصاویری از همخوانی جمعی حاضران با یکی از ترانه‌های ابی است؛ خواننده‌ای که سال‌هاست در خارج از کشور فعالیت می‌کند و مواضع سیاسی‌اش نیز در فضای عمومی ایران محل مناقشه بوده است. انتشار این تصاویر، به‌ویژه با توجه به شرایط سیاسی و حساسیت‌های موجود درباره چهره‌های خارج از کشور، پرسش‌هایی درباره انتخاب قطعات موسیقایی و رویکرد محتوایی برنامه ایجاد کرده است. استفاده از یک ترانه لزوماً به‌معنای تأیید مواضع سیاسی خواننده نیست، اما نمی‌توان از کنار حساسیت‌های انتخاب چنین اثری در یک برنامه پرمخاطب داخلی نیز به‌سادگی عبور کرد.»

همین موضع‌گیری کافی است تا متوجه شویم که «صحنه» قرار نیست به همین راحتی مجوز پخش بگیرد و حتی اگر مجوز پخش هم بگیرد، با توجه به واکنش مخاطبان در فضای مجازی، قرار نیست توسط همه کاربران ایرانی دیده شود.

«قصه عشق» نه یک آهنگ سیاسی است و نه حتی محتوای آن کوچک‌ترین اشاره‌ای به سیاست دارد. اما با توجه به سوابق خواننده‌اش و توانایی بالای مردم ایران در تولید حاشیه و سیاسی کردن همه چیز، به یک آهنگ سیاسی تبدیل شده که پخش آن در تیزر یک برنامه تلویزیونی، یک بار دیگر جامعه ایران را دوقطبی کرده است.

اما استدلال موافقان و مخالفان برنامه‌هایی از جنس «صحنه» چیست؟

موافقان برنامه‌هایی مانند «صحنه» استدلال می‌کنند که با توجه به حال‌وهوای امروز ایران، باید از هرگونه برنامه‌ای که اندکی موجب شادی مردم می‌شود، استقبال کرد. آن‌ها مقابله با ساخت چنین برنامه‌های شادی را کار دارودسته افراطی حامی پهلوی می‌دانند و مخالفت با شادی مردم را یک پروژه سیاسی تعریف می‌کنند که قرار است جامعه را ناامید کند و به سمت اعتراض سوق دهد.

کاربری به نام تارا درباره برنامه «صحنه» و پخش تیزر آن نوشته است: «سگای پهلوی حتی زورشون میاد مردم تو ایران یه برنامه سرگرم‌کننده ببینن اما والاحضرت نور میتونه وسط جنگ و کشتار پارتی بگیره و قر بده.»

اما برنامه «صحنه» و دیگر برنامه‌های مشابه که از آهنگ‌های قدیمی و آن ور آبی استفاده می‌کنند، مخالفانی هم دارند؛ مخالفانی که نحوه گوش دادن به آهنگ‌های این خواننده در اوایل انقلاب را یادآوری می‌کنند و اعتقاد دارند پخش چنین برنامه‌هایی، بیش از آنکه تلاشی برای شاد کردن مردم باشد، تلاشی از سوی حاکمیت برای جلوگیری از اعتراض مردم است.

کاربری به نام آشفته‌حالی درباره پخش تیزر برنامه «صحنه» نوشته است: «این آهنگ ابی رو مثل بقیه اش باید روی کاست، یواشکی و مخفی از همه گوش می‌دادیم که شر نشه، توی ماشین بذاری زیر صندلی، روش بنویسی تواشیح فلان که یک وقت ایست بازرسی سر فلکه گاز یا پارامونت گیر ندن، سر تک تک و ریز ریز این چیزها جیگر ما خون میشد، حالا وایمیسته سرپا دست می‌زنن و می‌رقصن.»

اما در این میان، دسته سومی هم وجود دارد که نماینده تندروهای فرهنگی‌اند؛ همان مردمی که در خیابان‌ها حضور دارند و پخش این آهنگ را در شرایط فعلی ایران، نماد وادادگی سیاسی و فرهنگی می‌دانند و پخش آن را در راستای ریختن آب به آسیاب دشمن تحلیل می‌کنند.

واکنش کاربران نشان می‌دهد که جامعه ایران به‌شدت رادیکالیزه شده و به حال‌وروزی افتاده که هر چیز کوچکی، ولو پخش یک تیزر ساده تلویزیونی، می‌تواند آن را به جامعه‌ای چندپاره تبدیل کند که به‌راحتی در مقابل یکدیگر صف‌آرایی می‌کنند.

واکنش رسانه‌ها به انتشار این تیزر چه بود؟

نکته جالب‌توجه این است که رسانه‌های مختلف، چه داخلی و چه خارجی، به پخش این تیزر واکنش نشان داده و آن را از زوایای مختلفی بررسی کرده‌اند. تمرکز این رسانه‌ها بر نقد برنامه از جانب اپوزیسیون است؛ همان کسانی که ساخت چنین برنامه‌هایی را «سفیدشویی حکومت» قلمداد می‌کنند.

رادیو فردا درباره پخش این تیزر به سراغ مسئله ممنوعیت خوانندگی زنان رفته و در تحلیلی، پخش همخوانی زن و مرد در این تیزر را تناقض ذاتی حاکمیت فعلی ایران دانسته است؛ تناقضی که باعث شده نابرابری اجتماعی در ایران چند برابر شود.

در همین راستا، رادیو فردا به سراغ آسیه امینی، تحلیلگر مسائل زنان، رفته و از او درباره این تیزر سؤال کرده است. آسیه امینی به تناقض ذاتی میان شرعیات و مصالح حکومتی در جمهوری اسلامی اشاره می‌کند و می‌گوید که مشکل اصلی جمهوری اسلامی درآمیختن دین و سیاست است؛ زیرا سیاست عرصه معامله و حفظ قدرت است و وقتی با ارزش‌های دینی و معنوی ترکیب می‌شود، به تناقضی بنیادین می‌انجامد. به عقیده این تحلیلگر، حکومت هر جا که منافع و بقای سیاسی‌اش اقتضا کند، از ارزش‌هایی که مدعی دفاع از آن‌هاست عدول می‌کند و چهره‌ای متفاوت به خود می‌گیرد: «اینجا سیاست بر شرعیات ادعاشده یا ارزش‌های ادعاشده غلبه می‌کند؛ بنابراین، به‌راحتی دروغ می‌گوید، به‌راحتی سوءاستفاده می‌کند، به‌راحتی تقیه و خدعه می‌کند.»

رسانه‌های جریان تندروی داخلی مانند همشهری نیز پخش یک تیزر با صدای ابی را عجیب دانسته و این خواننده را وطن‌فروش خوانده‌اند. تسنیم هم در تلاش همیشگی برای سانسور چنین برنامه‌هایی نوشته است: «براساس شنیده‌ها از یک منبع آگاه نزدیک به ساترا، پس از انتشار تیزر برنامه «صحنه» در فیلیمو، مشخص شده است که این برنامه فاقد مجوز انتشار بوده و الزامات و ضوابط تعیین‌شده برای تولید را نیز رعایت نکرده است، با وجود این، فیلیمو اقدام به انتشار تیزر تبلیغاتی برنامه کرده؛ اقدامی که از نگاه این منبع، مصداق تخطّی از ضوابط تنظیم‌گری و انتشار محتوای فاقد مجوز است. البته درباره جزئیات این موضوع، از جمله نوع مجوزهای صادرشده یا صادرنشده و ضوابط مورداشاره، هنوز توضیح رسمی و روشنی از سوی فیلیمو یا عوامل برنامه منتشر نشده است، از همین رو، انتظار می‌رود سازندگان و پلتفرم درباره وضعیت حقوقی «صحنه» شفاف‌سازی کنند.»

این موضع‌گیری‌ها نشان می‌دهد که ماجرای تیزر برنامه «صحنه» از یک موضوع عمومی فراتر رفته و به محل منازعه و جدال گروه‌های مختلف سیاسی تبدیل شده است.

در یک طرف این منازعه، انحلال‌طلبانی حضور دارند که دفاع از این برنامه‌ها و پخش آن‌ها را مصداق سازش با حاکمیت می‌دانند و در طرف دیگر این منازعه، اصول‌گرایانی قرار دارند که اعطای مجوز به چنین برنامه‌هایی را مصداق وادادگی فرهنگی و همکاری با دشمن قلمداد می‌کنند.

نکته مغفول اما همچنان مردمی هستند که تحت فشار این دعواهای سیاسی و فرهنگی له شده‌اند.

خبر

دیس‌بک سنگین قیاسی که پایه‌های تلویزیون را به لرزه درآورد

جواب مجری سطحی

دیس‌بک امیرحسین قیاسی با یک استوری ساده بسیار سنگین‌تر از جواب یک مجری ساده لوح بود و تمام ساختار تلویزیون رو زیر سوال برد.

عصر ایران: امیرحسین زارع، کشتی‌گیر قهرمان جهان، در گفتگو با امیرحسین قیاسی دو واژه‌ی مازندرانی «مول» و «خی» را خطاب به او به کار برد. این دو واژه در زبان مازندرانی معانی جالبی دارند، «مول» به فرد زیرک و مرموز یا موذی اشاره می‌کند و خی در ظاهر در معنای محلی به گراز، خوک و افراد قدرتمند گفته می‌شود.

حسن اسماعیل‌پور، مجری برنامه «سلام صبح بخیر»، همین ماجرا را دستمایه‌ی تسویه حساب کرد و از پاسخ کشتی‌گیر پرافتخار ایران به این مجری تمجید کرد. مجری تلویزیونی در اظهاراتی تند، امیرحسین قیاسی را هدف قرار داد و گفت کسی که همیشه دیگران را مسخره می‌کند، حالا توسط امیرحسین زارع، قهرمان جهان، دست انداخته شده است.

این مجری با اشاره به تکرار طوطی‌وار کلمه «خی» توسط قیاسی با غرور و بدون اطلاع از معنای آن، او را به سخره گرفت و از زارع بابت این «انتقام» و رو دست زدن که باعث لذت مردم ایران و مازندران شد، تشکر کرد. و در فضای مجازی نوشته شد: «دیس تلویزیون به قیاسی!»

در واکنش به این صحبت‌ها قیاسی فقط یک استوری منتشر کرد و در ابتدا با لحنی گلایه آمیز نوشت: «مجری عزیز، هموطن من، من نمی‌دونم این میزان از کینه و ناراحتی شما از من از کجا میاد.» او در ادامه افزود: «اگر کاری کردم که باعث رنجشت شدم، ازت معذرت می‌خوام، امیدوارم همیشه موفق باشی و روز به روز بیشتر دیده بشی.»

قیاسی سپس با اشاره به تخصص رسانه‌ای مجری نوشت: «ولی برادر من، شما در تلویزیون کار می‌کنی و با تدوین آشنا نیستی؟» او توضیح داد که این برنامه ۱۱ روز پیش ضبط شده و او و امیرحسین زارع بلافاصله پس از ضبط، معنی این کلمه را چک کرده‌اند.

قیاسی دلیل عدم حذف این بخش در تدوین را این‌گونه بیان کرد: «تصمیم من این بود که در تدوین این بخش حذف نشه... چون گفتم هموطنای مازندرانی که اینو ببینن عشق می‌کنن، دلم نیومد اون یه لحظه خنده از ته دل رو ازشون بگیرم.»

این جمله بیشتر از آن‌که پاسخ به یک مجری باشد، سؤالی از خود تلویزیون است. کسی که سال‌ها پشت همان میزها نشسته، ابتدایی‌ترین قاعده‌ی کارش را فراموش کرده است: آنچه پخش می‌شود، انتخاب شده است. اگر چیزی در برنامه مانده، یا کسی نخواسته آن را بردارد یا آن را ضروری ندانسته است.

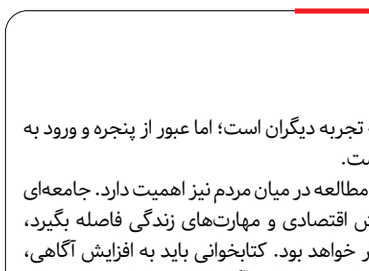
در پایان، قیاسی مجری برنامه را به محل ضبط برنامه خود دعوت کرد و گفت: «اگر کمکی از من بر میاد برای برطرف کردن این میزان از خشمت، روی من حساب کن.» او همچنین ابراز تاسف کرد که صرفاً با برنامه‌سازی‌اش باعث شده چهره و صدای این مجری تا این حد پر از نفرت شود.

اما نکته‌ی مهم‌تر خود مجری نیست. مجری در تلویزیون هرگز تنها نیست. متن را نویسنده‌ای می‌خواند، تهیه‌کننده‌ای تأیید می‌کند، کارگردانی نظارت می‌کند و گروهی پیش از پخش همه‌چیز را می‌بینند. اگر در این زنجیره هیچ‌کس نپرسید «شاید این لحظه عمدی بوده باشد؟»، مشکل خطای یک نفر نیست. مشکل ساختاری است که در آن شتاب برای ضربه زدن از دقت بیشتر ارزش دارد و کسی وقت ندارد پیش از قضاوت، یک بار فکر کند.

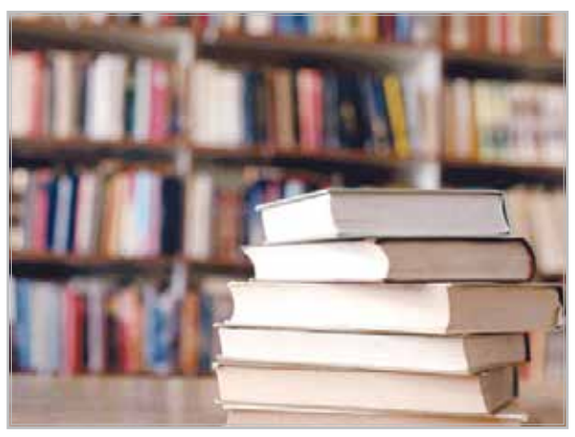
نتیجه این شد که رسانه‌ی رسمی، با همه‌ی امکاناتش، از یک بلاگر درس تدوین گرفت و بدتر از آن، حتی متوجه نشد که درس گرفته است.

حکایت از یک لغت مازندرانی و یک خنده‌ی کوچک شروع شد. اما آینه‌ای شد که تلویزیون در آن، بی‌آنکه بخواهد، خودش را دید: شتاب‌زده در قضاوت، کم‌حوصله در تحقیق و سرمست از تیری که فکر می‌کرد به هدف زده، حال آن که این تیر بیشتر به خودشان آسیب زد تا به قیاسی.

حالا باید گفت دیس‌بک قیاسی بسیار سنگین‌تر از جواب یک مجری ساده لوح بود و تمام ساختار تلویزیون را زیر سوال برد.



مطالعه کتاب برای مدیران ضرورت است نه تشریفات!



مطالعه کتاب برای مدیران یک ضرورت حرفه‌ای است، نه فعالیتی تشریفاتی. مسئولیت عمومی بدون دانش، شناخت تجربه‌های موفق و آمادگی برای اصلاح خطاها، می‌تواند به تکرار تصمیم‌های پرهزینه و ناکارآمد منجر شود.

رضا حمیدی - کارشناس فرهنگ و رسانه- در یادداشتی که با عنوان «از خواندن کتاب تا ریشه‌کنی فقر؛ فاصله‌ای که باید پیمود» در اختیار ایسنا قرار داده، آورده است:

توصیه رئیس‌جمهور به مدیران و مردم برای مطالعه کتاب «برخاستن از فقر» در مراسم روز کتاب و کتابخوانی، فراتر از یک پیشنهاد مطالعاتی، حامل پیامی مهم درباره نسبت دانش، مدیریت و توسعه است؛ پیامی که اگر جدی گرفته شود، می‌تواند به بازنگری در شیوه مواجهه با یکی از دیرپاترین مسائل جامعه ایران، یعنی فقر و محرومیت، بینجامد.

مسعود پزشکیان در این مراسم با اشاره به تجربه چین در عبور از فقر و دستیابی به جایگاه اقتصادی کنونی، مدیران و مردم را به مطالعه این کتاب و شناخت مسیر طی‌شده از سوی این کشور فراخواند. اهمیت این توصیه در آن است که مسئله را از سطح گلایه درباره مشکلات اقتصادی به سطح شناخت تجربه‌ها، کشف راه‌حل‌ها و اصلاح شیوه‌های مدیریت ارتقا می‌دهد.

کتاب «برخاستن از فقر» نوشته شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، با ترجمه محمدرضا نوروزپور و انتشار انتشارات خبر امروز، مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها، یادداشت‌ها و تأملات نویسنده در دوران مسئولیتش در منطقه نینگده، از مناطق کمترتوسعه‌یافته استان فوجیان چین است. این اثر، فراتر از روایت یک تجربه اجرایی، به بررسی نسبت توسعه اقتصادی، آموزش، فرهنگ، سازمان‌دهی اجتماعی، حکمرانی محلی و مشارکت مردم در فرایند فقرزدایی می‌پردازد.

یکی از درس‌های مهم این تجربه آن است که فقر را نمی‌توان صرفاً با پرداخت یارانه، توزیع بسته‌های حمایتی یا اجرای طرح‌های مقطعی از میان برداشت. این اقدامات در شرایط دشوار اقتصادی برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر ضروری‌اند، اما جایگزین سیاست‌های پایدار اشتغال‌آفرینی، توانمندسازی، آموزش، تولید و ایجاد فرصت‌های برابر نمی‌شوند. فقرزدایی پایدار زمانی تحقق می‌یابد که افراد و خانواده‌ها از چرخه محرومیت و وابستگی خارج شوند و امکان ساختن آینده‌ای باثبات را به دست آورند.

البته تجربه چین را نمی‌توان بدون توجه به تفاوت‌های ساختاری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دو کشور به ایران تعمیم داد. الگوبرداری هوشمندانه به معنای تقلید نیست؛ بلکه به معنای شناخت عوامل موفقیت، ارزیابی انتقادی تجربه‌ها و انتخاب راهکارهایی است که با واقعیت‌های جامعه ایران تناسب دارند.

پرسش اساسی اینجاست: چرا کشوری با این حجم از منابع طبیعی، سرمایه انسانی، ظرفیت‌های صنعتی، کشاورزی، معدنی و موقعیت ممتاز جغرافیایی، همچنان با فقر، نابرابری فرصت‌ها و محرومیت برخی مناطق دست‌وپنجه نرم می‌کند؟ آیا مسئله فقط کمبود منابع است یا باید بخشی از پاسخ را در کیفیت مدیریت، ناپایداری سیاست‌ها، ضعف بهره‌وری، تصمیم‌گیری‌های غیرکارشناسی و فاصله میان برنامه‌ریزی و اجرا جست‌وجو کرد؟

واقعیت آن است که توسعه بیش از آنکه محصول وفور منابع باشد، حاصل کیفیت حکمرانی و توانایی تبدیل ظرفیت‌ها به فرصت‌های واقعی برای مردم است. مدیر توسعه‌گرا باید مسئله را در میدان بشناسد، نه فقط در گزارش‌های اداری؛ به جای اجرای نسخه‌های یکسان، تفاوت ظرفیت‌ها و نیازهای مناطق را درک کند و به جای سنجش موفقیت با تعداد طرح‌ها و میزان اعتبارات هزینه‌شده، آثار اقدامات را در زندگی مردم بسنجد.

در این میان، مطالعه کتاب برای مدیران یک ضرورت حرفه‌ای است، نه فعالیتی تشریفاتی. مسئولیت عمومی بدون دانش، شناخت تجربه‌های موفق و آمادگی برای اصلاح خطاها، می‌تواند به تکرار تصمیم‌های پرهزینه و ناکارآمد منجر شود. کتاب، پنجره‌ای به تجربه دیگران است؛ اما عبور از پنجره و ورود به میدان عمل، وظیفه مدیران است.

از سوی دیگر، ترویج فرهنگ مطالعه در میان مردم نیز اهمیت دارد. جامعه‌ای که از تجربه‌های بشری، دانش اقتصادی و مهارت‌های زندگی فاصله بگیرد، در برابر مشکلات آسیب‌پذیرتر خواهد بود. کتابخوانی باید به افزایش آگاهی، تقویت قدرت تحلیل، ارتقای مهارت و مشارکت آگاهانه شهروندان در سرنوشت اجتماعی و اقتصادی کشور بینجامد.

با این همه، نباید توصیه رئیس‌جمهور به مطالعه این کتاب در حد خرید و توزیع نسخه‌هایی میان مدیران، برگزاری نشست‌های معرفی یا ثبت چند تصویر یادگاری متوقف بماند. شایسته است دستگاه‌های اجرایی، به‌ویژه نهادهای مسئول در حوزه اقتصادی و اجتماعی، از این فرصت برای استخراج درس‌های مدیریتی، تدوین برنامه‌های متناسب با مناطق محروم و ارزیابی نتایج سیاست‌های فقرزدایی استفاده کنند. حتی می‌توان مطالعه و بررسی این تجربه را به دستور کار نشست‌های مدیریتی استان‌ها و شهرستان‌ها تبدیل کرد.

کتاب را باید خواند، اما مهم‌تر از آن، باید از آموخته‌ها برای تغییر واقعیت‌ها بهره گرفت. فاصله میان خواندن درباره ریشه‌کنی فقر و تحقق آن در جامعه، همان فاصله میان دانستن و عمل کردن است؛ فاصله‌ای که مسئولیت پیمودن آن بیش از همه بر دوش مدیران و تصمیم‌سازان کشور قرار دارد.

توصیه رئیس‌جمهور زمانی به یک رویداد اثرگذار در فرهنگ مدیریتی کشور تبدیل می‌شود که از کتابخانه به اتاق تصمیم‌گیری، از اتاق تصمیم‌گیری به میدان اجرا و از میدان اجرا به سفره و زندگی مردم راه یابد.